

نیزه امی از نصوص مبارکه در باره:

خصائل اهل بهاء و

فرائض اصحاب شور

مثنیات آثار و نصوص مبارکه الهیه که در این جزوه بهمت
جناب و کبر تر یاض قدیمی عضو محترم این مجل تحت عنوان :
« خصائل اهل بها و فرائض اصحاب شور » جمع آوری و در معرض
استفاده طالبان و علائقندان نشر میگردد مبتنی و شارح تعالیم و
دستورات و مواعظ و نصایح ربانیه بمنظور تائیس حیات بهائی بر
بنای اصول صحیح و روابط مستینه و متقنه در این عالم ادنی بین نوع
انسان است .

زیارت الواح و آثار مبارکه باید با تمعن و تدبر کامل توأم باشد
بر آیه از آیات مترکه از قلم اعلی و هر حکم صادر از منبع فیض و الهام
حضرت کبریا طافح از حکم و مصاحبه است که جز قلوب صافیه
و ضمائر منیره احدی بر جامعیت و کمال اجمیت آن وقف نبود
و نخواهد بود .

بیان احادی شایع فدی در این مقال گوایی است صادق
و شاهدی است موافق قوله الاحلی : « اغمسوانی بحبر بیانی
لعل تظلعون بما فیہ من لسانی الحکمه والاسرار . »
خور و خوض در بحر سیکران آیات و الواح و توقعات
و دستخط های صادر از قلم شایع امر اقدس اعز ابهی و دو متبیین
جلیل القدر و مصدر کل خیر و مصون از خطا بیت العدل عظیم الهی
حقیقت این امر را بقدر استعداد و لیاقت و استطاعت و قابلیت
که داریم بر ما مکشوف و مبرهن میدارد .

زیارت ساناتی که شمه ای از آنها بصورت این جزوه
اشار یافته مارا به تعقل تفکر و امیدارد و بوظائفی که در قبایل
امر الهی و نظم بدیع جهان آرای ربانی در این عصر مشیخ نورانی داریم
متذکر میدارد.

از عموم محافل معده روحانیه و کجبه های ملیه و محلیه و جماعه
و نقاط امریه و قاطبه اجتهادی عزیز ایران رجاء میشود اوقات را صرف
مطالعه و زیارت این آثار بفرمایند و در حیات روحانی و تشکیلاتی
خوش نکات و حقیقه و مسائل مهمه متقنه ای را که حلال مشکلات
و مانع بروز اختلافات و دافع شرور و مفاسد جهان مادیات
است. آویزه گوش قرار دهند و حکم آن شریفه ناله در آم کتاب
« جبالجالی » در کمال خلوص و ایمان و توجه و اطمینان در امثال
او امر مطاعه الهی بگویند و یقین مبین بدانند که هر گاه ما اهل بها
در این جهان ادنی بوظائف مرجوعه روحانیه خویش کاینچی و طبع
قیام نماییم و در حکیم اساس و دعائم تشکیلات الهیه که موجود و
مؤسس نظم بدیع جهان آرای الهی است سعی و جهد جهید مبذول
داریم بفرموده مولای شفیق و حسنون اهل بها در اندک زمانی
« عالم ملک آئینه ملکوت » خواهد شد و جهان و جهانیان از
آلام و استقام مستولیه متمزایده نجات خواهند یافت و علم وحدت
انسان در قطب امکان با هسته از در خواهد آمد.

محل روحانی فی بهائیان ایران

طهران - ۱۲۸ بدیع

فهرست

صفحه

موضوع

۱

تخلق باخلاق بهائی

۲۹

قدر و موقعیت خدمت

۴۲

مناسبات محافل با افراد

۵۱

آداب مشورت در تشکیلات بهائی

۵۱

اهمیت مشورت

۵۴

اهمیت حضور مرتب در جلسات

۵۷

اهمیت خضوع و خلوص

۶۱

طریقه مشورت و لوازم روحانی آن

۶۷

لزوم تسبوت رأی اکثریت

۷۱

لزوم اتحاد و اتفاق و پرهیز از اختلاف

تخلق باخلاق بهائی

حضرت بہار اللہ میفرماید :

« طوبی لمن تزیین بطراز الآداب والاخلاق انه ممن نصر ربہ بالعمل

الواضح المبین » « کتاب سحاب اقدس آیہ ۳۸۵ »

وتیر میفرماید :

« زینوا انفسکم بطراز الاعمال والذی فاز بالعمل فی رضاه آتہ

من اهل البہار قد کان لدی العرش مذکور ا » آیہ ۱۶۴ »

انصروا مالک البریۃ بالاعمال الحسنہ ثم بالحکمۃ والہدیان

کذک امرتم فی اکثر اللوح من لدی الرحمن انه کان علی

ما قول علیما . « کتاب سحاب اقدس آیہ ۱۶۵ »

حضرت بهاء الله میفرمایند:

«... از برای بهر امری ناصری لازم و بسند مضموره در این

ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است.»

«لوح شیخ محمد تقی نجفی صفحه ۲۰»

حضرت بهاء الله میفرمایند:

ای پسران آدم کلمه طیبه و اعمال طاہره مقدمه سماء

غرافیه صعود نماید جهد کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت

نفس و هوی پاک شود و بساحت عرفتبول در آید چه که عنقریب

صرافان وجود در پیشگاه حضور معبود خیر تقوای خالص نیندیرند و

غیر عمل پاک قبول ننمایند اینست آفتاب حکمت و معانی که از افش

فمِثَّتْ رَبَّانِي اَشْرَاقُ فَرْمُودِهِ طُوبَى لِلْمُتَقَبِّلِينَ .

« کلمات کلنونه فارسی »

حضرت بهار الله میفرماید :

« فضل الانسان في اخذته والحمال لاني الرثية والثروة والمال »

« مجموعه الواح حضرت بهار الله سورة حكما صفحه ۳۸ »

حضرت بهار الله میفرماید :

« طوبى از برای نفوسی که الیوم باخلاق روحانیه و اعمال طیبه

بنصرت امر مالک بریه قیام نمایند . « ماده آسانی جلد چهارم »
« صفحه ۵۲۶ »

حضرت بهار الله میفرماید :

« یا ضرب الله بنحو مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و اینده .

اُمم باشید . اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق
راضیه مرضیه بوده ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق
یا اهل بها بقوی تمسک نمایند هذا ما حکم به المظلوم و احرار

المختار . « مجموعه الواح حضرت بهار الله لوح دنیا صفحه ۲۸۸ »

حضرت بهار الله مسفر مایند :

« طوبی از برای نفوسی که ایوم باخلاق روحانیه و اعمال طیبه

بنصرت امر مالک بریه قیام نمایند . »

« مانده آسمانی جلد چهارم صفحه ۵۲۶ »

و نیز مسفر مایند :

« ای فرزند کنیز من لا زال هدایت باقوال بوده و این زمان

بافعال گشته یعنی باید جمیع افعال قدسی از شکل انسانی ظاهر
شود چه که در اقوال کل شریکند و لکن افعال پاک و
مقدس مخصوص دوستان ما است پس بجان سعی نماید تا
بافعال از جمیع ناس ممتاز شوید که لک نصحا کم فی لوح
قدس منیر. « کلمات مکنونه فارسی »

حضرت بهار الله میفرمایند :

« ... قسم باقیاب افق بیان که اگر نفسی الیوم باذیت
نفسی راضی شود بمشابه آمنت که باذیت نفس حق راضی
شده ... »

« مائده آسمانی جلد چهارم صفحه ۵۲۴ »

حضرت بهار الله میفرمایند :

«... اليوم باید اجبای الهی شانی در مابین عباد ظاهر شوند

که جمیع را بافعال خود برضوان ذوالجلال هدایت نمایند -

قسم باقیاب صبح عزتدیس که ابد حق و اجبای او که مسوب

باویند ناظر بارض و اموال فانیه در او نبوده و نخواهند بود.»

«مآذ آسمانی جلد بیستم صفحه ۷۴»

حضرت بهار الله میفرمایند :

«شأن اهل حق خضوع و خشوع و اخلاق حمیده بوده و

خواهد بود دنیا قابل آن نه که انسان مرتب امورات

قبیح شود و از مالک احدی بعید ماند.» مجموعه اقتدارات
صفحه ۳۰۱

حضرت بهاء الله میفرماید :

« اگر نفس در جمیع عسر و عیادت مشغول شود و از صفاتی که
سبب ارتفاع امر الله است محروم ماند آن عبادت حاصلی ندارد

و مژمی نخواهد بخشید . . . لوح فسریدون . . .

حضرت بهاء الله میفرماید :

... بگو ای دوستان جهد نمایند شاید مصیباتیکه فی سبیل الله

بر مظلوم وارد شده بین ناس ضایع نشود بدین عفت تمسک

نمایند و همچنین بحبل امانت و دیانت صلاح عالم را ملاحظه

نمایند نه هوای نفس را یا حزب المظلوم شنایند رعاة عالم

اعظام را از ذنب نفس و هوای مقدس دارید و بطریق تقوی الله

فرین نماید این حکم محکم که از تلم قدم در این صین جاری
شده لعمر الله سیف الاخلاق و الآداب احد من سیوف

الحدید . « « لوح شیخ محمد تقی نجفی صفحه ۲۲ »

حضرت بهاء الله صیفا نمایند :

بسم الله الابهی

مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان پرستی

و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شود .

هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بعین نماید

و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود مقام انسان بلند است

اگر با انسانیت فرین و آلاست تر از جمیع مخلوق مشاهده میشود

بگوای دوستان امروز را غنیمت شمردید و خود را از فیوضات
بجز تعالی محروم ننمایید از حق میطلبیم جمیع را بطراز عمل پاک
و خالص در این یوم مبارک مزین فرماید آنه هو المhtar .

« مجموعه الواح حضرت بهار الله صفحه ۳۰۴ »

حضرت بهار الله میفرماید :

« ... باید کل تقبیس امانت و ردار دیانت و شعار صدق

و راستی ظاهر و باطن خود را مزین نماید تا سبب علو امر

و تربیت خلق گردد . » « اقتدارات صفحه ۱۶۷ »

حضرت بهار الله میفرماید :

نفوسی که باین مظلوم منسوبند باید در مواقع بخشش و عطا ابر بارنده

باشند و در اخذ نفس آماره شعله فروزنده .

« مجموعه الواح حضرت بهار الله لوح دیا صفحه ۲۹۸ »

حضرت بهار الله میفرمایند :

« طهریدک عن لثبث الی غیر الله والاشاره الی دونه »

« اسرار آثار جلد اول صفحه ۱۳۶ »

حضرت بهار الله میفرمایند :

« اعمال بعضی سبب احزان شد امروز ناصر حق اعمال طیبه

و اخلاق مرضیه بوده مگر این کلمه علیا از قسم اعلی نازل :

ضر این مظلوم زنجیر و کند ارض طان بوده و همچنین ظلم ظالمهای

ارض میم نه بلکه از نفوسی است که دعوی محبت مینمایند و خود را

از ابل بها بیشترند و لیکن مطیع نفس و هوئی مشابه میگردند امروز

باید اولیا بنور تقوی مشور باشند و بنابر انقطاع مشغول نیست و بصیرت

حق جل جلاله از قبل و بعد طوبی للعالمین ...»

« مائده آسانی جلد ششم صفحه ۱۲۲ »

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« یاران الهی باید بموجب وصایا و نصایح نور حقیقت جمال قدیم

روحی لقبته الفداء قیام کنند و یک یک را بموقع اجر گذارند

نه اینکه مجرد بخوانند و مودوع اوراق و الواح گذارند باید او امر

روحانیه و جسمانیه اسم اعظم روحی لقبته الفداء در خیر شهود حلوه

نماید و در احوال و اطوار یاران محترم و مصور گردد و آنچه شرمی

و چه اثری . « مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ثانی صفحه ۲۷۹ »

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« بهائی را بصفت شناسند نه با اسم و بخلق پی برند نه به جسم

یعنی چون شخصی یابند در گشتار آیت توحید و در رفتار جوهر تحریر

و در کردار حقیقت تقدیس فریاد برآرند که این بهائی است
اگر چنین شویم نور مبین در چنین تابید و الا و انما علینا بما فرطنا
فی جنب الله . « مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ثانی صفحه ۱۱۴ »

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« ... باید روش و سلوکی نمایند که مانند آفتاب از سایر نفوس

متمایز شوید هر نفسی از شما در بر شهری که وارد کرد و در خلق و خوی

صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم

انسانی مشاراً بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص

یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و

وسلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است .

تا باین مقام نیاید بعهد و پیمان الهی وفا نموده اید زیرا بنصوص

قاطعہ از جمیع ما میثاق وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصایح

الہیہ و تعالیم ربانیہ رفتار نکنیم . «

مکاتیب حضرت عبد البہار جلد ثالث صفحہ ۱۵۹ -

حضرت عبد البہار میفرماید :

« ای خرب اللہ مبادا خاطر می بیازارید و نفسی را محسوس کنید

و در حق شخصی چه یار و چه اعدا چه دوست و چه دشمن زبان بطنه گشاید

در حق کل دعا کنید و از برای کل موبت و غفران طلبید ز نهار

ز نهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد و لو دشمن خود بخوار باشد -

ز نهار ز نهار از اینکه نفسی خاطر می بیازارد و لو بدخواه و بدکردار باشد

نظر خلق نمایند توجه بخالتی کنید قوم عنود را ببینید رب الجنود را ملا^{خطه}
کنید خاک را ببینید پر تو اقباب تا بناک ببینید که هر خاک سیاه را رو^{شن}
و پدیدار کرده ای خرب التمد در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید
هر قدر مصائب شدید شود مضطرب نشوید در کمال طمینان بفضل
حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید . «

« مکاتیب حضرت عبداللہاء، جلد ثالث صفحہ ۱۶۱ »

حضرت عبداللہاء میفرمایند :

« ... باید با کلّ حتی دشمنان بنهایت روح در یگان محبت و مهربان
بود در مقابل اذیت و جفا بنهایت وفا مجرب می دارید و در موارد
ظور بغضا بنهایت صفا معامله کنید سم و سنان را سینه مانند

آئینه هرف نمایند و طعن و لعن را کمال محبت مقابل کنسید ... »

« مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد اول صفحہ ۳۰۶ »

حضرت عبدالبہار میفرمایند :

« ... امر اللہ از قوامی ملکی و امور دنیوی متعس است و از جملہ تعالیم

الہیہ نفوس امانت و انقطاع و تقدیس است پس اگر کسی را دیدی

کہ نظر بمال و طمع در اموال مانس دارد بدان کہ او از اہل بہائیت

اہل بہا کسانی ہستند کہ اگر لوادی ذہب و فضہ رسند چون برق

در گذرند و ابداً اعتنا ننمایند. » « ماندہ آسمانی جلد پنجم صفحہ ۵۷۲ »

حضرت عبدالبہار میفرمایند :

« ... فواللہ الذی لا الہ الا ہو الیوم خدمتی بامر اللہ عظیم از مخلوق

با خلاق نیست و مضرتی بدین الله عظیم از صفات قبیحه نه -

البته نفسی ضربتی بر بهیکل عبدالبهارندگوارتر از آنست که عملی از او

صدور نماید که مخالف منقبت عالم انسانی باشد زیرا این زخم را

مرحم و این ضربت را التیام مینمایند اما آن صرح عظیم را التیامی نه

و آن سم نقیع را در یاقتی نیست نهایت اهتمام در این امور لازم است «

« گنجینه حدود و احکام صفحه ۸۵ »

حضرت عبدالبهار میفرمایند :

« انسان را عزت و بزرگواری به پاکی و راستی و خیرخواهی و عفت

و استقامت است نه بزخارف و ثروت . »

« اخبار امری سال ۱۱۸ بدیع شماره ۱ »

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« باران الهی باید بشکرانه این مواهب رحمانی با نجات وجدانی
مبعوث گردند و بسبب ظهور شرف و منقبت عالم انسانی شوند
آنگاه تقدیس بلند کنند و بیخ تهلیل و تکبیر ملکوت ابهی رسانند
حال امور بسیار دقیق گشته و جمیع انظار متوجه بروش و سلوک اجباً
و مواظب اخلاق و اطوار و آداب بهائیان لهذا باید اهل بهانضیاح
و وصایای جمال ابهی در نهایت دقت و وفا قیام نمایند و نفوسی که
در امور دوائر حکومت ذی دخلند امیدوارم که در نهایت تقدیس
و پاکی و آزادگی و عفت و عصمت و خیرخواهی و خلوص نیت و پاکی
طنینت بخدمت ملت و دولت پردازند بموجب خویش قناعت

نمایند و بدون آن بار کتاب فلسفی ذیل خویش را نیالایند زیرا ذیل مظهر
امر الله آلوده گردد و نزد کل محقق شود که بهایان نیز مثل اعراب دیگرند
بلکه بدتر فرق لفظی است نه معنوی باری رحای این عهد خمین است
که دوستان حقیقی چنان روش و سلوک نمایند که بهایان در نزد کل سرود
دانائی باشند و مشهور و معروف با کی فطرت و طهارت طینت شب
روز بگویند و بگویند و بخروشند و بجان و دل خدمت بایران ایران
نمایند از تعین در مناصب مقصودشان آن باشد که در ره رضای الهی
پویند و بعالم انسان خدمت کنند نه اینکه زخرف فانیه بدست آرند
و نجوشی و عزت و در اوست زندگی کنند زیرا این او نام زائل گردد نه را
ماند نه عزت و نه منصب ماند و نه ثروت غنیمت کان لم یکن شینا مذکور

گردد آنچه باقی راستی و درستی و خداپرستی ...»

« مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد رابع صفحه ۹۲ و ۹۳ »

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« الیوم الرزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار

باید اجتهامی ضمن نخلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که راکم مشنگبار

گلشن تقدیس آفاق را مسح نمایند و نفوس مرده را زنده کنند...»

« مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد رابع صفحه ۱۹۲ »

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« ... این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت

و ثروت و رحمت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی شود خلق را

بجدا بنخوانید و نفوس را بروش و سلوک ملا، اعلی دعوت کنید
یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگان را پناه شوید فقیران را
کتر غمنا گردید و مریضان را درمان و شفا معین مظلومی باشید و
مجبر هر محسوم در فکر آن باشید که خدمت به نفسی از نوع بشر نماید
و باعراض و انکار و تشکیار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و عت ناکنید
بالعکس معامله نماید و تحقیق مهربان باشید نه بظاهر و صورت -
به نفسی از اجزای آلهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار
باشد و موهبت آفرگار به نفسی برسد خیری بنماید و نفسی برساند و سبب
تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور هدایت تابد و موهبت حضرت
رحمانی احاطه نماید محبت نور است در هر خانه تا بد و عداوت ظلمت است

در هر کاشانه لانه نماید ای اجبای اطمی ستمتی بنماید که این ظلمت بکلی زایل
گردد تا سر نهان آشکار شود و حقایق آشیا مشهود و عیان گردد.

ع ع

« مکاتیب حضرت عبدالبهار جلد ثالث صفحہ ۱۲۰ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... یاران و اعضای محافل باید با اعمال و رفتار و سلوک در کل حوا

و در تمام شئون در جمیع معاملات مرتبت و حقیقت و قوت و

سمو این آئین مقدس را باینها و وطن خویش بنمایند نه آنکه الکفایه تبلیغ

و بیان و تفسیر و تشریح کنند . « شجرات توقیعات مبارکه صفحه ۶۲ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... پس ما که سالکان سبیل نجاتیم باید به تمام قومی بگوئیم تا در مجالسات

و معاملات و مشاغل و مقاصد ما با تمام طبقات نفوس در امور

جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودوده در تعالیم حضرت

بها الله را بفضل اظهار و اعلان اثبات کنیم و چنان جلوه نماییم که بر کل

ثابت گردد که جز قوه جامعه روح حضرت بهاء الله هیچ امری دیگر
تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکنند است یگانه اسباب نجات
وظیفه امر الهی . « « شجاعت توقیعات مبارکه صفحه ۶۳ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... وقت آنست که منادیان این ظهور الهی با اعمال و اخلاقشان
باین نار موقده در قلوب شعله بارکان عالم زنده و لزومیت دین را
بدلائلی قوی و فعلی بمفسرین و مادیون عالم اثبات نمایند هر چند آن
میدان وسیع است ولی جولان مشکل چه که اعمال طیبه طاهره ضمیمه
شرط است و من دون آن خسران مهین . »

« مائده آسمانی جلد سوم صفحه ۳۲ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

« فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مومن نیک رفتار است نه عالم

بدکردار ... » منجبات توقیعات مبارکه صفحه ۱۴۲ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

« ... الیوم اساس عظیم و میزان اجل و اتم و فارق بین حق و باطل

اخلاق است نه اقوال هر حزبی که دارای آن باشد مؤید است و

من لدی الحق و همه طایفه ای از آن محروم باطل است و از فضل و یارند

الهی ممنوع نام و نشان دلیل و برهان اگر مؤید و توأم بحسن روش

و سلوک و اخلاق طیبه مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان

و جهانیان است حسن اخلاق کمالات و مظاهرش حسن سلوک و

رفتار و یگانگی و لفت و اتحاد و اتفاق و حسن معاملات در جزئیات
 و کلیات و تعاون و تعاضد مستمری صمیمی و محبت و خلوص نیت و
 صفای قلب و طهارت نفس و صداقت و امانت مابہ الامتیاز
 یاران است چه کہ این صفات محدودیست کہ اہل عالم از آن غافل و محجوبند
 اولین و آخرین و حسین و لیل مقنع و برهان کافی لامع این آئین الہی است
 حکم تجربہ است و یگانہ متمیز بہایمان از سایر طوائف و اہم مقصد
 اصلی عموم بسیار و رسل است و یگانہ مقصود و مطلوب و منتہی آمال و
 آرزوی حضرت اعلیٰ و جمال ابنی و حضرت عبدالبہاست ...

" شجاعت توفیقات مبارکہ صفحہ ۷ "

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

«... باید بهر نحوی که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت

را خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد...

... نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در

نفس نماید ولی تحقق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی از انسانها

در هر یومی از آیام است مگذارید که انعیار و حسودان و دشمنان بگویند

که علت علو امر در گذشته آیام در اوایل ظهور قیام خارق العاده میباشد

مقدس و استقامت نفس زکیه شهید امر بوده که حال چون دیگر نیستند

امر بهار الله مجبوراً رو با نخطاط و ضعف و تشنیت و ضمحل خواهد گذشت

باید اولاً بسلوک و افعال و بعد از آن با قوال و دلائل اثبات نمود

که وعود الهیه مستوم است و واقع و بشارات الهیه ظاهر است
و کامل تا نفوس کامله بمیدان نیایند و شاهد هر انجمن نگرند اثبات
این امر بدانیان احم بسیار مشکل و اگر مؤمنین و مؤمنات منظر این
کلمات شوند لزوم بیان و اقعاع نه نفس اعمال دلیل است و نفس
رفقار کافل حفظ و صیانت و شوکت امر الله ...

” شجاعت ترقیات مبارکه صفحه ۴۸ “

قدر و موقعیت خدمت

حضرت بهار الله میفرمایند

امروز روز خدمت است جامه خوف و صمت و سکون را بپوش

و بیان و آئینها را و بهتر از تبدیل نماید . کتاب را بنهای تبیین صفحه ۱۲

حضرت بهار الله میفرمایند :

«... اليوم خدمت امر از اعظم اعمال است باید نفوس مطمئنانه کمال

حکمت بتبلیغ امر الله مشغول شوند تا نفعات قیمتی رحمانی در جمع جهالت

متضوع گردد این شهادت محدود بدیج و انفاق دم نبوده چه که

میشود انسان با نعمت حیات ارشده در کتاب مالک است

شود . « مائده آسمانی جلد چهارم صفحه ۳۹۵ » لوح ابن اصدق

حضرت بهارالله میفرمایند :

« ... چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقتها که باختر
رسیده و چه ساعتها که بانها آمده و جز باشتغال دنیای فانی نفسی
بر نیاید سعی نماید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود .
عمرها چون برق میگذرد و فرقهها بر بستر تراب مقفرو منزل گیرد
دیگر چاره از دست رود و امور از پشت ... »

مجموعه الواح حضرت بهارالله صفحه ۳۳۶ «

حضرت عبدالهبا میفرمایند :

« چنین وقت و زمانی را باید بسیار غنیمت شمرد دقیقه ای فستور

نباید کرد از رحمت و آسایش و نعمت و آلائش و جان و مال باید

منقطع شد جمیع را فدای حضرت ملک وجود کرد تا قوامی ملکوتیه

شدت نفوذ یابد و اشعه ساطعه در این عصر جدید عالم افکار و عقول

روشن نماید . « مکاتیب حضرت عبدالهبا جلد ثالث صفحه ۳۳ »

حضرت عبدالهبا میفرمایند :

« الیوم تحقیق مقدسه ملا اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم

مینماید تا موفق بخدمتی باستان جمال ایهنی گردند و عبودیت عتبه

مقدسه قیام کنند . « منجبات توقیات مبارکه صفحه ۱۳۲ »

حضرت عبدالبہار صیفر مایند :

« آنچه سبب فوز و فلاح و نجاح است خدمت امرالہدایت و آل عمر

بہیودہ میگردد و ابداً نتیجہ ای ندارد . »

« مائدہ آسمانی جلد ہفتم صفحہ ۱۳۰ »

حضرت عبدالبہار صیفر مایند :

« وقت ہیبت و خدمت است و زمان شعلہ و حرارت تا زمان از

دست زرقہ است این فرصت را غنیمت شمردید و این وسعت را اعظم

نعمت عنقریب این چند روزہ عسرفانی بسر آید و بادست تہی کجفرہ

خاموشی در آئیم ... »

« مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد اول صفحہ ۴۷۷ »

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« اسی یاران الهی کمال نشاط و انبساط عالم انسانی را خدمت نمایند

و بنوع بشر محبت نمایند نظر سجده‌ی نکنند و ممنوع بقیود می نشوید -

زیرا حدود و قیود در ظهور کالات انسانی حجاب ظلمانی گردد و آزادی

سبب ظهور موهبت الهی شود آنی سکون نیاید و دستیکه ای قرار

مجوید و دمی نیایند مانند دریا پر جوش گردید و شبانه ننگ بحر

بقا بخروش آید صمت و سکون قرار و سکوت شأن اموات است نه ای

و از خصائص جاود است نه طیور گلشن ملا اعلی عنقریب این بساط حیات

منطوی شود و این لذت و نعمت منتفی گردد از برای نفوس یا اس حاصل

شود و هر مقصد و آرزوی باطل گردد پس تا جان در جسد است باید

حرکتی نمود و تمثیلی کرد و بنیانی بنیاد نهاد که قرون و اعصار قمر بارگان
زساند و احقاب و اودها ر سبب انهدام نشود ابدی باشد و سرمدی
تا سلطنت جان و وجدان در دو جهان ثابت و برقرار گردد و اینست
وصیت عبدالبهاء و اینست نصیحت این مرغ شکسته و بال . ع . ع

« مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد رابع صفحه ۱۳۴ »

حضرت ولی امر الله میفرماید :

« ... مستقبل آن دیار باهراست و فیض الهی کامل هنگام هنگام

خدمت است و یوم یوم بهت و استقامت در اعلامی امر الهی ^{حقیق}

است اگر خاموش نشینم و سکون و سکوت پیشه گیرم بلکه فتور در

تحقیق این مقصد اعلیٰ قصور است عظیم و تعویق و تعطیل در وقوع این ^{عده}

کبری محرومیت از نعمت عظمی و فوز ابدی در جهان الهی است . ای دنیا

یا الهنا و محبونا علی السلوک فی سبیلک و ارتفاع امرک بین العالین »

« منجبات توقیعات مبارکه صفحہ ۱۴۰ »

حضرت ولی امر الله میفرماید :

« ... در چنین هنگام سخت و موقعیت باریکی که امر الله بر طبق حکم با لفظ

الهیة از مراحل شکر شده میگذرد از وظائف مقدسه بر فرود بهائی
اینست که حقیقت و اهمیت این یوم بیب را که یوم تفسیر و تبدیل
است تمامه درک نماید پس از آنکه باین نکته عمقه واقف گشتیم عاشقان
تضمین کنیم که با کمال استقامت برخاسته و با نهایت جانفشانی
در اعلامی امر و انجام وظائف مقدسه ساعی و جاهد گردیم ...

« مانده آسمانی جلد ششم صفحه ۸۹۱ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« وقت تنگ است درنگ ننمایید میدان خدمت چهارم حضرت

گرا نهبار اغنیست شمردید . »

« شجرات توقیعات مبارکه صفحه ۵۶ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ای امنای امر حضرت بهاء الله قدر این مقام را بدانید و مستوی گشت

خود را بشناسید و بیجانید در این مقام و سستی ای عقلت عالمی خسران

است و ذره ای اجمال مورث حسرت و ندامتی بی پایان ... »

« شجرات توقیعات مبارکه صفحه ۷۶ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... و در حتام است دعا و خواهش اخیر این بنده کمترین از گروه مؤمنان

و مؤمنین است که تمام قوی در نهایت انقطاع و تجرد از شنونات

نفس و هوئی بر ترویج و تسریع و حکیم و تفهیم و تعزیر این مؤمنان است

امریه قیام نمایند هر نفع و آرزوی را فدای مصالح شریعه الله کنند ... »

« شجرات توقیعات مبارکه صفحه ۷۹ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ای امنای امر حضرت بهاء الله قدر این مقام را بدانید و

مسئولیت خود را بشناسید و بنمایید در این مقام دقیقه عقلت عالمی

خسران است و ذره فی ایهال مورث حسرت و ندامتی بی پایان

به آثار رجوع نماید و تکالیف شایسته را از فحواى آیات مترجمه اش

بباید فهمه مؤمنین و مؤمنات بدالات و هدایت رب الایات

البنیات از میان خود شمارا برگزینت و بنمایند گی خوش بین بگمانه

و خوش مختص و سرافراز فرمود اعنه خستیار را بکف کفایت آن

پیشوایان بسپرد و فسر عبودیت بجهت محضه را بر فرق آن سروران بهناد

مصالح روحانیه حزب مظلوم را در دست امنای امرش و دویعه بگذاشت

و طوق مسؤلیت کبری برگردن اسیران کوشش بنمیداخت
بصرافت طبع و طیب خاطر خود را رهین و مقید ارشادات و
تعلیمات آن موالیان عظام نمود و مقید تشریحات و تصمیحات
فاطمه آنان را از مفروضات و جدائیه خویش شمرد این چه موهبت
عظما نیست که بجزده محترم صرف ختم یار بست یاران جان نثارش
بر آن نمایندگان مبدول داشته و این چه مسؤلیت گرانست که بر
کتف آن برگزیدگان گذاشته شما نید و سائط اعطای فیض حضرت
فیاض شما نید و سید ابرار از حضرت بی نیاز بیت الحرام را حایمان
و فادارید و شریعت رب الانام را امر و جینی جان نثار خزان علم
حضرت معلومید و اواعی آن طیب مشموم مؤسین بدیتی بی مثیلید

وتمسکین استغنی بی نظیر و عدیل بانیان ایوان رب بگشاید و حاملان
پیامی جان فسران منادیان هم عظیمه و نمایندگان سبیل اقوم ،
مغبوط و محسود پیشینینید و تعلیم دهنده و پیشوای آیندگان اقدارگان
شرق را منتقد صبر پرورید و در دمندان غرب را طیبیان نیک ختر
نجات دهنده اسیران عالم امکانید و یگانه امید بر خسته دل ناتوان
این عنایات خفیه و نعم موهوبه به جمال قدم جل اسمه الاعظم وقتی در
انجمن نبی آدم تمام قونی جلوه نماید که آن نمایندگان محترم در انظار
دول و اعم منظر و مصداق این امر مبرم محیی رحم گردند « ان جعلوا
سیفکم کلمه الله و سلا حکم اسلام و حبشکم معرفه الله و قائدکم التقوی
و ظمیرکم الملار الاعلی و نصیرکم رب السموات العلی و زادکم لتوکل

علی اللہ و قوتکم تأییدیتتابع من شدید القومی . .

استخراج از توفیق مورخ اب ۱۹۲۷ مندرج در صفحات ۴۶ و ۴۷

کتاب محافل روحانیه دو وظائف آن

مناسبات محافل با افراد

حضرت بهاء الله میفرمایند :

« ... وینبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان ووكلاء الله

لمن على الارض كلها ويشاورون في مصالح العباد لوجه الله كما يشاؤون

في امورهم ونخساروا ما بواهم كما كذالك حكم ربكم بعزير العفارة . »

کتاب مستطاب اقدس

حضرت عبدالبها میفرماید :

« آنچه را محفل روحانی مصلحت بدانند اگر بمن تکلیف کنند مجرمی

میدارم ابداً توقف ننمایم . » « اصول نظم اداری »

حضرت عبدالبها میفرماید : (ترجمه)

« ... بر هر فردی واجب است هیچگونه اقدامی بدون مشورت محفل

روحانی ننماید و البته باید قلباً در روحاً مستر محفل را مطیع و نسبت

بان مفاد باشند تا امور با حسن وجه مرتب و منظم گردد و الا هر شخصی

مستقلاً و بر وفق قضاوت خویش عمل خواهد کرد و امیال شخصی خود را

متابعیت خواهد نمود و بسبب خیر امر الله خواهد گشت . »

« نظامات بهائی صفحه ۵۶ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« محافل روحانیه الیوم است اساس است و محور و مرکز و صیایای

مقدسہ مبارکہ لهذا احتیای الہی و امار الرحمن ہر قدر اساس

این محافل را محکمتر نمایند و اسباب پیشرفت و تقدش را بہتر فرمایند

آرند و صیایای مقدسہ سرعتر اجرا شود و نوایای مبارکہ رو در دو کا

تحقق نمایند و جلوہ نمایند . « اصول نظم اداری صفحہ ۱۶ »

و نیز میفرمایند :

« یاران باید اعضای محفل خویش را در تمام امور نمایندگان خویش دانند

و امنای الہی محسوب نمایند ہر حکمی را محفل صادر نمایند بدل و جان

اجرا نمایند . « اصول نظم اداری صفحہ ۲۹ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

«عموم یاران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل روحانی را نمایند
خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجراءاتش را کنند . . .»

و همچنین اعضای محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم اجنادین
و مرجع مصالح روحانیه یاران شمرند . . .»

.. اشکات توقیحات مبارکه صفحه ۵۱ ..

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

«اجبا باید استمداد و تقه تام با اعضای محترمه محفل روحانی خویش
داشته باشند و تعاون و تعاضد قیام کنند و همچنین اعضای محفل شور
باید مصالح امریه عمومیّه ناظر باشند ترویج مقاصد شخصی ننمایند

و ناظر با فکار و امیال و مصالح خویش نگردند .

« ثنجات توقیعات مبارکه صفحه ۶۰ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

باید انسان ادبانی تمام قوی و در کمال صمیمیت قیام بر نصرت
نمایندگان محلی و مرکزی خویش نماید اطاعت و تمکین قرارهای

صادر از آن مراجع عالیله رسمیه بهائی نمایند و آراء و افکار

و تمایلات شخصیه خویش را در ظل اراده و تصمیمات مهیت ممثلین

در آورند . « ثنجات توقیعات مبارکه صفحه ۱۹ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... هرگاه موردی پیش آید که کدورتی نسبت بمجلس و یا نسبت

باعضای جامعه حاصل گردد و محفل روحانی باید متوجه باشد که مناسباً
بایران صرفاً از جنبه تشکیلاتی نبوده بلکه در عین حال مبره سیاسی
است روحانی که باید سجایای ادب و صبر و شکیبائی و خیرخواهی

را از خود ظاهر سازد چه بسا اختلافات که با اعمال قوت و
قدرت نمیتوان با صلاح آن موقوف شد بلکه باید بوسیله کشف

علت حقیقی تکرر خاطر بایران بعلاج پرداخت حضرت عبدالبهاء

میفرمایند: بعضی نفوس طفلند باید تربیت کرد نادانند باید

تعلیم نمود مرینند باید درمان بخشید. «نظامات بهائی صوفه ۷۱»

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

«... از جنبه حفظ و صیانت امرالله را در امور جزئی و کلی مراعات

نام نمایند و از جهتی دیگر اسباب عناد اهل لغضا نشوند و بهر صورت
و عداوت آنان نیت نمایند و در مواقع مخصوصه چشم از عیوب اهل
فقور بپوشند و بالعکس معاند نمایند و راه مسامحه پیش گیرند
ولی بیدار و بسیار باشند تا در دام اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند
و فریب مغرضین نخورند . « شجاعت توقیعات مبارکه صفحه ۱۴ »

حضرت ولی امر الله میفرماید :

« ... وظائف اعضای محفل امر کردن و حکم ننموده بلکه مشورت
است و آنهم نه تنها مشورت بین خود بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود
با متجربین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را بمنزله و سائل
بدانند که برای معرفی امر الله بطور شایسته و موثر انتخاب شده اند

آنان نباید چنین تصور نمایند که بمنزله زینت و زیور بیکل امر الله بوده
و نظراً از حیث استعداد و یالیقت بر دیگران تفوق داشته و
یگانه مرد چنین تعالیم و مبادی امر الله میباشند .

« نظامات بهائی صفحه ۵۳ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

... با موضوعی که بدان اشاره نموده بودید این عبد کمالاً موافق
بوده و قطعاً و بدون هیچ قید و ملاحظه این اصل را تأیید نمائیم که شما
را نباید بمنزله مرکز و یا محوری قرار داد بطوریکه جامعه طائف حول
آنها باشد بلکه آنان باید در جمیع احوال مطیع محافل روحانیه باشند
و لولائمه لیاقت و شایستگی آنان محرز باشد بر قدر آنجناب و سایر

همکاران راجع باین اصل مهم و اساسی که مربوط با دایره امور امری
است تصریح و تاکید نمایند شایسته و رواست .

شوقی ربانی ، نظامات بهائی صفحه ۸۵ .

آداب مشورت در تشکیلات بهائی

اهمیت مشورت

حضرت بهاء الله میفرماید:

« این کلمه مبارکه در صحیفه حسرا از قلم اعلیٰ جاری و نازل آسمان
حکمت الهی بدو تیر روشن و منیر مشورت و شفقت مشورت
بر آگاهی میفراید و وطن و گمان را یسین تبدیل نماید اوست سراج
نورانی در عالم ظلمانی راه نماید و هدایت کند از برای هر امری مقام
کمال و بلوغ بوده و نخواهد بود و بلوغ و ظهور فرد مشورت ظاهر

و هویدا ... »

« ماده آسمانی جلد هشتم صفحه ۲۰ »

حضرت عبدالبہا میفرماید :

«... در خصوص مشورت مأمور بہا سوال نموده بودید از مشورت

مقصود آنست کہ آراء نفوس متعدّدہ بہتہ بہتر از رأی واحد است

نظیر قوت نفوس کثیرہ بہتہ اعظم از قوت شخص واحد است

لہذا شور مقبول در گاہ کبریا و مأمور بہ...»

« مکاتیب حضرت عبدالبہا، جلد ثانی صفحہ ۳۰۳ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... اگر چنانچه پس از تشکیل محفل ملی روحانی در انعقاد جلسات آن

محفل و اجتماع اعضای تسعه آن و ایفای وظائف مقدسه اس ^{چهل}

و فتوری حاصل گردد البته انعکاس سوئی در جامعه خواهد داشت

و علت و مین و تحقیر امر الله شود و اسباب مرج و مرج و خمر و قهقر گردد .

« معجزات توقیعات مبارکه صفحه ۹۵ »

اهمیت حضور مرتب در جلسات

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« بدیهی است ما دام که عضوی نتواند مرتباً در جلسات محفل روحانی
محلی خویش حضور بهم رساند محال است بتواند وظایف مفروضه
خود را ایفا و مسئولیت های خویش را بعنوان نماینده جامعه انجام
دهد عضویت محفل روحانی محلی حقیقتاً توأم با الزام و توانائی
تماس نزدیک با جریانات امریه محلیه و حضور مرتب در جلسات
محفل است . » « نظامات بهائی صفحه ۶۴ »

حضرت ولی امر الله تصویب میفرمایند :

« هرگاه یکی از اعضا عامله یا یک عضو عادی محفل روحانی نتواند برای

فرمودند حق استعفا نداشته و ندارند و تشخیص و قبول عذر از خصائص

مخالف محلیه است هر نفسی اطاعت نماید از مستمر دین محسوب و از حق

انتخاب و عضویت مخالف محروم «۱۰» «توقیعات مبارکه صفحه ۳۹۳»

و تیر میفرمایند :

مقتضی میدانم خاطر اجباراً بلزوم قبول بلا شرط هر نوع خدمت

و وظیفه ای که نمایندگان یا محفل ملی به آنان رجوع نمایند متذکر سازم

هرگونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم میدانم

شوق ربانی «نظامات بهائی صفحه ۱۴» :

اہمیت خضوع و خلوص

حضرت بہار اللہ میفرماید :

« ... ان الانسان مرة يرفع الخضوع الى سماء العشرة والاقدار و

اخرى ينزله الغرور الى اسفل مقام الذل والانكسار . »

مجموعہ الواح حضرت بہار اللہ کلمات فردوسیہ صفحہ ۱۵۶

خط زین القریبین مکتبہ ہندوستان

حضرت عبدالبہا میفرماید :

« ... لخطات عین رحمانیت منقطع نفوسی است کہ در عالم هستی

جز محویت و نیستی در سبیل الہی ندارند . »

« مکاتیب حضرت عبدالبہا، جلد چہارم صفحہ ۳۶۰ »

حضرت عبدالبہا میفرماید :

« ... آنچه سبب بزرگواری عالم انسانی است خضوع و خشوع است و

محویت و فنا زیرا تذل و انکسار تاج و تاج عبدالبہا است و محویت و

فنا و نیستی بی مہتا اکلیل حلیل این بندہ آستان حضرت کبریا ما باید

یکلی از وصف وجود فانی کردیم بلکہ نیست و مفقود شویم تا سزاوار

الطاف و عنایت خداوندی چون کردیم ہر یک غبار رگدز جمع آجا

شویم و خادم حق و خادم بسیار نفس و مہونی زیرانیت ایوان الہی
باین دو بیت ربانی است :

نار عشقی بر فرور و جلمہ بستہا بسوز پس قدم بردار و گنہ سوی عساقان گذار
تا گردی فانی از صف وجودی مردہ کی خسی خمر بقا ز لعل نوشین نگار

« مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد چہارم صفحہ ۶۵ »

حضرت عبدالبہار میفرمایند :

« اول فریضہ اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع

از ماسوی اللہ و انجذاب بصفات اللہ و خضوع و خشوع بین احباب و صبر

و تحمل بر بلا و بندگی عتیبہ سامیہ الہیہ است و چون باین صفات

موفق و مؤید گردند حضرت ملکوت غیب انہی احاطہ نماید. (مہول نظم اداری صفحہ ۱۵)

شویم و خادم حق و خادم سببان نفس و مہونی زیرانیت ایوان الہی
باین دو بیت ربانی است :

نار عشقی بر فرور و جلمہ بستہا بسوز پس قدم بردار و آنکہ سوی عساکان گذار
تاگردی فانی از صوف و جوادی مرده کی چسی خمر بقا زعل نوشین سکار

« مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد چہارم صفحہ ۶۵ »

حضرت عبدالبہار میفرمایند :

« اول فریضہ اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع

از ماسوی اللہ و انجذاب بصفات اللہ و خضوع و خشوع بدن احباب و صبر

و تحمل بر بلا و بندگی عتبه سامیہ الہیہ است و چون باین صفات

موفق و مؤید گردند حضرت ملکوت غیب انہی احاطہ نماید. (محول نظم اداری صفحہ ۱۵)

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استنار اجتناب

نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیسزا شوند و در مشاورات خود هرگونه

تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند ... »

« شجاعت توقیعات مبارکه »

و نیز میفرمایند :

« باید خود را خادم امین حقیقی اجبار الله شمرند و نظر را متوجه و محصور در

منافع عموم و مصالح امر الله نمایند نه ناظر به اشخاص و متمسک بمفاد

و مآرب شخصی گردند ... »

« مجموعه توقیعات مبارکه صفحه ۵۰ »

طریقه مشورت و لوازم روحانی آن ؛

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

« شرط ثانیه آنست که رئیس مجتهد آن محفل اعضای انجمن باشد و اشخاص گنند و دستور العمل و نظامی مجتهد اجتماع و مذاکره و تدارک دارند و آن دستور العمل و نظام در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنقید نماید و اعضای محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نگردد و اعضاء در حین ورود و توجیه مملو است اعلی کنند و طلب نمایند از افاق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن تدارک یابند و نهایت ادب و ملائمت کلام و اهمیت خطاب ببیان آراء پردازند در هر مسئله امی بحکمت حقیقت

کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار در رأی مخرج مبارکه و مخاصمه گردد و ^{حقیقت}

مستور ماند ولی اعضای محترمه باید نهایت آزادی بیان رأی

نویس نمایند و ابد جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه

بکمال علمیت بیان حقیقت کند .

« مکاتیب حضرت عبدالبهار جلد سوم صفحه ۵۰۶ »

و تیر میفرمایند :

« ... باری هر کاری که بالفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود

نتیجه اش انوار است و اگر ادنی غیباری حاصل شود نتیجه اش ظلمات

فوق ظلمات است . « مکاتیب حضرت عبدالبهار جلد سوم صفحه ۵۰۷ »

تصادم افکار و مقاومت آزار در سخن شور را سبب ظهور ^{حقیقت} شعاع

است نباید هیچیک از اعضا متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه
هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در کمال
ادب بخلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش نشیند چون چنین
آن انجمن انجمن الهی است و الاسباب برودت و کدورت عالم سطا^شی^ش
« مکاتیب حضرت عبدالبهار جلد سوم صفحه ۵۰۷ »

و ترمیم نمایند :

« ... باید نوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نیاید
و آن اینست که حین عقد مجلس هر یک بکمال حریت رأی خویش را
بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت میکند ابدأ او متکدر
نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقه

حقیقت شعاع ساطع ارتصادم افکار است در نهایت مذکره
اگر اتفاق آراء حاصل گردد فمعم المراد و اگر معاد الله اختلاف
حاصل شود با کثرت آراء قرار دهند ... و دیگر آنکه مذکره در محفل
شور را کسی نباید نقل کند. « کتاب محافل روحانیه و وظائف آن صفحه ۱۲ و ۱۳ »
حضرت ولی امر الله میفرماید :

« صراحت و صداقت مرتجیح بر جمیع امور و از شیم و صفات
ممد و محبوسه مقدمه اهل به محسوب ... » « ثنات توقیعات مبارکه صفحه ۲۰۹ »
حضرت ولی امر الله میفرماید :

« ... اعضای محفل شور باید بمصالح امریه عمومیّه ناظر باشند -
ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر افکار و امیال و مصالح خویش نگردند ... »
« اصول نظم اداری صفحه ۱۹ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند

اعضای این مجالس باید بنوبه خود کارها احساسات موافق و مخالف
خود و مصالح و مایلات شخصی را کنار گذاشته افکار خود را در اطراف
اقداماتی که منجر به خیر و سعادت جامعه بهائی و ترویج مصالح جمعی
است حصر نمایند. « نظامات بهائی صفحه ۵۸ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

« ... زنهار زنها که طرفدار می جاه طلبی و تعلق بدنیادار اداره امور
رسوخی نمایند زیرا بمرور زمان نوزائیت آئین مقدس را ظلمانی
و طهارت و تترهیش را لکه دار و اثرات عمیقش را فلج و معلول
خواهد ساخت. « مائده آسمانی جلد ششم صفحه ۸۶۵ »

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

«... همچنین اعضای محافل روحانیه محلی و مرکزی باید از مآرب
و منافع و مصالح شخصیّه فردیه خود بیزار و در کنار باشند و نظرا
حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیّه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند
در امور مفروضه موکوله تفحص و تعمق نمایند و بعدل و انصاف حکم
فرمایند در امور مرجوعه در کمال صراحت و صداقت و جدیت مشورت
تام نمایند و در مذاکرات و مباحثات کلّ من دون استشاره مشارکت
کنند و پس از مشورت کامل متمسک بحکم اکثریت گردند و تصمیم قطعی
بنمایند و پس از تصمیم من دون تأخیر و تردید در تنفیذ و اجرای قرارهای
خویش همت بطنیع مبذول دارند.» «شجاعت توقعات مبارکه صفحه ۹۰»

لزوم قبول رأی اکثریت

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

«... و چون ائتلاف آراء حاصل شود رجوع با اکثریت آراء کنند

و کل اکثریت را مطیع و متقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضا

محترمه برقرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته

گیرد و لو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود

که هیچ قسری استقرار نیابد.» «مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم صفحه ۵۰۷»

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

«... باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهایت

صداقت در روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابدار و اظهار دارند

و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رأی اکثریت بر آن قرار
گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت و بخشش حساب نمایند
ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد
چه اینست حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص
جائز؟ « کتاب محافل روحانیه و وظائف آن صفحه ۱۳ »

و نیز میفرمایند:

« ... و چون موقع اخذ تصمیم نرسد باید از روی خلوص نیت و
حسن طوبیت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس بآستان الهی توجه
و تبتل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهادت تام ابدی
رأی نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند زیرا بفرموده حضرت عبدالمطلب

رای اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره
با کمال میل و اشتیاق مورد اجراء گذاشته شود این رای اکثریت
را باید باین قلباً قبول کنند و آنرا بیکانه و سیله صیانت پیشرفت

امراء شمرند . « (نظامات بهائی صفحه ۵۴)

و نیز میفرمایند :

کلی چه در داخل و چه در خارج محفل باید اطاعت و انقیاد
با اعضای محفل نمایند و تصویب و تأیید اجراءاتش نمایند
و لونیکه رای اکثریت مخالف واقع و عارمی از صواب باشد .

(شعبات توقعات مبارکه صفحه ۶۰)

و نیز میفرمایند :

« فروی از اسرار و محفل هر قدر عظیم الشان باشد و کامل،
و هر چه آگاه باشد و فاضل بازرای فرد مصاب نبوده و نخواهد بود،
آن فرد قانوناً باید مطیع خلعت باشد... »

(اصول نظم اداری صفحه ۷۳)

لزوم اتحاد و اتفاق پیرمیرزا اختلاف

حضرت بهاء الله صیفاً میند :

« ایاکم ان تفرقکم شئوننا لنفس الهوی کونوا کالاصابع

فی الید والارکان للبدن کذلک یفکرم تم الوحی ان تم

من الموقنین . » (کتاب مستطاب اقدس آیه ۱۳۴)

و تیر صیفاً میند :

« حق شاید و گو است که ضرری از برای امر الیوم اعظم از

فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبود

و نیست . »

(اقتدارات صفحه ۲۲۲)

حضرت بهاء الله میفرماید :

«... اگر جمیع عالم از حق اعراض نمایند ضری بر امر وارد نه بلکه

اعراض خلق سبب علت ارتقاع امر حق جل جلاله است و لکن

ضد و عزن مظلوم از عدم اتحاد و اتفاق اولیاء و دوستان است.

بگو عمل را الله کنید و الی الله ناظر شوید هر نفسی این مقام را

ادراک نماید و لذت آنرا بیابد البته از خود و ما عنده بگذرد و

بیا بر ترفع به الامر ناظر و عامل گردد.» (مأذنه آسمانی جلد هشتم صفحه ۵۲)

حضرت بهاء الله میفرماید :

«قلم اعلی میفرماید : ای دوستان حق مقصود از حمل این زاریای

مستوازه و بلا یای متتابعه آنکه نفوس موقفه بالله با کمال اتحاد و اتحاد یکدیگر

سلوک نمایند شأنیکه اختلاف و ثنیت و غیرت از ما بین محو
 شود الا در حدودات مخصوصه که در کتب الهیه نازل شده انسان
 بصیر در هیچ امری از امور نقضی بر او وارد نه آنچه وارد شود دلیل
 است بر عظمت شأن و پاکی فطرت او مثلاً اگر نفسی لله خاضع
 شود از برای دوستان الهی این خضوع فی الحقیقه بحق راجع است
 چه که ناظر بایمان اوست باشد در این صورت اگر نفس مقابل مثل
 او حرکت نماید و یا استکبار از او ظاهر شود شخص بصیر بعلو عمل
 خود و جزای آن رسیده و میرسد و ضرر عمل نفس مقابل بخود او راجع است
 و همچنین اگر نفسی بر نفسی استکبار نماید آن استکبار بحق راجع است
 نمودن باشد من ذلک یا اولی الابصار... (مجموعه الواح حضرت بهار الله صفحه ۷۲۹)

حضرت بہار اللہ در منا جاتی میفرماید :

« ... فوعزناک یا محبوبی لو تعذبنی فی کل حین بسلاب جدید لا ... »

عندی بان یحدث بین اجابناک ما یکدر بہ قلوبہم و یتفرق

بہ اجتماعہم لانک ما یقتنی الا لا تحادیم علی امرک الذی لا یقوم

معہ خلق سماک و ارضک و اعراضہم عما سواک و اقبلہم الی

اقق عز کبریاک و تحوہم الی شطر رضاک ... اذ اسالک

یا مالک الملوک باسمک الذی منہ شرعت شریعۃ الحب و

الوداد بین العباد بان تحدث بین اجابانی ما یجعلہم متحدین فی

کل الشئون لتظہر منہم آیات توحیدک بین برتیک و ظہورات لتفہید

فی مملکتک و انک انت المقدر علی ما تشار لا الہ الا انت لمہمین القوم

۱ مجموعہ الواح حضرت بہار اللہ صفحہ ۲۲۸

حضرت عبدالبها میفرمایند:

«... در این دو رب‌دیع و تشریح جلیل اساس دین الله و موضوع
شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و لطف با جمیع مخلوق و صدق
و امانت و مهربانی صمیمی با جمعی طوائف و نخل و اعلان وحدت
عالم انسانیت حتی بیگانه آشنا بود و اختیار یا شمرده گردد
با جمیع افراد بشر از هر مملکت و نخل باید به نهایت دوستی و راستی و امانت
و دیانت و لطف و اتحاد معامله گردد حال این صبح نورانی امر الله
و این کوکب رحمانی دین الله آیا انصاف است که بتمام اختلاف
بین اجناب و عدم اتحاد و ستور و پنهان گردد لا والله بلکه جمیع ما
بیگانگان را جان نسانی نمایم تا چه رسد با آشنا اختیار را باید بپرستیم

تا چه رسد بسیار بده شریعت الله و دین الله و امر الله فی هذا الامر
اجلیل و العصر العظیم) (مکاتیب حضرت عبدالبها، جلد دوم صفحہ ۷۶۶)

حضرت عبدالبها میفرمایند :

«... امروزه امور اتحاد و اتفاق اجبای الهی است که باید برگزید
یکدل و یکجان شوند تا توانند مقاومت و مقاومت اهل عالم کنند
و تعصبات جاهلیه ملل و مذاهب را از رالہ نمایند هر فردی از افراد
بشر تقسیم نمایند که کل بار یکدارید و برگ یک شاخسار، ولی تا
نفس اجبا اتحاد و اتفاق کلی نیابند چگونه توانند که احزاب سائره
را با اتحاد و اتفاق بچوانند

جان نایاقه از هستی بخش کئی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکر کنید تا عبرت حاصل شود سحاب متفرق فیض
 باران ندارد و در اندک مدت ملامتی شود گله پراکنده در تحت
 تسلط گرگ افتد طیور متفرقه بچکل باز بستند شود چه برهانی عظم
 از این که اتحاد و اتفاق سبب ترقی و حیات است و اختلاف و
 افتراق مورش ذلت و هوان و اعظم و سیله خذلان و خسران ...
)) تا تو ایند بر اتحاد و اتفاق بایکدیگر کوشید زیرا کل قطرات یک
 بحرید و اوراق یک شجر و نسالی یک صدف و کل و ریاضین یک
 ریاض پس از آن در تالیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانقشانی
 نماید و با هر فردی از انسانان انسانی نهایت مهربانی کنید
 نفسی را بیکانه ننخوانید و شخصی را بدخواه مشمردید چنان رفتار نماید که

جمع خلاق خویش پیوندند و آشنا و آرمند چنان سلوک نمایند
که این جهان فانی نورانی گردد و این کلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود
ایست وصیت عبدالبهار ایست نصیحت این عبدینوا و علیکم لبهار

الابهی (ع ع) (ماده آسمانی جلد پنجم صفحات ۵۶۵ - ۵۶۷)

حضرت عبدالبهار میفرمایند :

«... باید یاران الهی محبوب و مقنون یکدیگر باشند و جانفشانان

در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از اجباب دیگری برسد مانند آن باشد که

تشنه لبی چشمه آب حیات رسد و یا عاشقی بمعشوق حقیقی خود مطلقاً

کند زیرا ارادۀ عظیم حکمت الهی در ظهور مظاہر مقدسه ایست که نفوس

مانوس یکدیگر گردند و قوه محبت الله جمیع را امواج یک دریا نماید

و از هار یک بوستان کند و نجوم یک آسمان نماید است حکمت

ظهور مظاہر مقدسه ...» (مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد سوم صفحہ ۳۰)

حضرت عبدالبہار میفرمایند:

«... وصیت بنمایم شمارا کہ جمع بہت را در الفت و محبت و اتحاد

و اتفاق مبذول دارید تا ہر یک نزد دیگری ساجد گردد و ہر یک

در محبت دیگری جانفشانی نماید و حقیقت کامرانی تحقق یابد نیت را

باید تکرار کرد اگر چنانچہ از بعضی دوستان قصوری صادر گردد و دیگران باید

بذیل تشریہ شوند و در احوال نواقص او کوشند نہ اینکه از او عیب جوئی

نمایند و در حق او ذلت و خواری پسندند نظر خطا پوش سبب بصیرت

است و انسان پرہوش شاعر عیوب ہر بندہ پر معصیت پروردگری

شان و حوش است نه انسان پر دانش و هوش ...

(مکاتیب حضرت عبدالبهار جلد چهارم صفحه ۱۱۳)

حضرت عبدالبهار میفرمایند :

«باید که جمیع یاران الهی در نهایت خضوع و خشوع و تذلل و انکسار
بعبودیت یکتا مگر قیام نمایند و در غمهای اتحاد و اتفاق و لغت و
یکگانگی بکوشند ایوم بر خاضع و خاشعی که هیچ وجه راکحه وجود
اونست و بربندگی جمیع دوستان قائم در ملکوت ابنی رویش چون
مه تابان تابنده و درخشنده و هدایت بخشنده ایادی امرالله
چون سرج نورانیه اند در بر امری تسراری دینند و اتفاق نمایند و با
اکثریت آراء حاصل گردد کل باید اطاعت و انقیاد کنند و همچنین

بر جمیع دوستان الهی بصر قاطع رحمانی فرض است که بجان دل

حضرت شهباز عادل را دعا کنند و در اطاعت و انقیاد سعی بلیغ

مجرمی دارند و البها علیکم . ع ع .»

(مکاتیب حضرت عبدالبها، جلد چهارم صفحه ۱۰)

حضرت عبدالبها میفرمایند :

«...الیوم نصرتی از برای میثاق الهی عظم از اتحاد و اتفاق نه و

بچنین امانتی عظم از اختلاف و شقاق نیست واللہ الذی لا اله

الاہو اگر اتحاد و یگانگی در میان ما بکمال درجه چنانکہ رضای حاصل بقدم

است حاصل نکرد و کورا عظم نتیجہ نبخشد بلکه این ضرب چون جزا

سابقہ باشد ...» (مانده آسمانی جلد نهم صفحه ۹۰)

حضرت عبدالبهار میفرماید :

« اسی یاران الهی زنهار زنهار از اختلاف زیر اینیان الهی از اختلاف

بر افتد و شجره مبارکه از اریح اختلاف از شمر بار ماند گلشن توحید

از زهریر تباین افکار پر مرده گردد و نار محبت الهی افسرده شود... »

مأده آسمانی جلد نهم صفحه ۱۵۲ :

حضرت عبدالبهار میفرماید :

« اجبای الهی میدانند و در جمیع الواح و زبر ربانی خوانده و میخوانند

که از ذکر ذره اسی اختلاف جمال مبارک روحی لاجبائ الفدا رچنان

بر میافروختند که وجه مبارک تفسیر میکرد و هر یک از اشخاص موجوده

البته صد مرتبه بگوش خود از خم مطهر شنیده اند که بکرات بکمال تأثر

میفرمودند من اگر ببینم که امر الله سبب اختلاف میان دو نفس

میشود از امر الله میگذرم...» (ماده آسمانی جلد نهم صفحه ۱۲۸)

حضرت عبدالبها میفرمایند:

«... بچوگان نمیکنم که کسی سبب ذره ای اختلاف در امر مبارک

شود خواه ستری و خواه جهری و خیر ببیند عقرب معلوم خواهد شد

و هذا وعد غیر مکتوب...» (ماده آسمانی جلد نهم صفحه ۱۲۸)

حضرت عبدالبها میفرمایند:

«... باری ای اجبای الهی صریح کتاب الهی نیست که اگر ^{نفس}

در مسئله ای از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه

نمایند هر دو باطلند...» (مکاتیب حضرت عبدالبها، جلد سوم صفحه ۳۳۳)

حضرت عبدالبہار میفرمایند :

« اول شرط محبت و اہفت تمام بین اعضای آن جمعیت است
کہ از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا
امواج یک بحرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند و اشعہ
یک شمس درختان یک بوستانند و گلہای یک گلستان و اگر
وحدت حال و یگانگی بی ملال در میان نیاید آن جمع پشیمان گردد
و آن سخن بی سرو سامان... » مکاتیب حضرت عبدالبہار جلد سوم صفحہ ۵۰۶

و نیز میفرمایند :

« امروز ہستم امور اتحاد و اتفاق اجہامی الہمی است کہ با یکدیگر
یک دل و یک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت اہل عالم

کنند ...»

و نیز میفرمایند :

«... الیوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق اجابانیت ...»

(مکاتیب حضرت عبدالبهار، جلد اول صفحه ۲۹۱)

و نیز میفرمایند :

«قسم بحال قدم روحی لا اجبانه المتمدین فدا که فرج و سروری
از برای عبدالبهار خبر شارات اتحاد و اتفاق اجبانه زیرا اس

امر الله وحدت و یگانگی و محبت است ...»

(مکاتیب حضرت عبدالبهار، جلد دوم صفحه ۲۰۰)

و نیز میفرمایند :

«... امرور اعظم موہب الہیہ اتحاد و اتفاق اجبار است.»

(مکاتیب حضرت عبدالہبار جلد سوم صفحہ ۱۸۸)

و نیز میفرمایند :

«آنچه اعظم امور است آن اتحاد و اتفاق جمہور اجبار و اسلاف تام

در میان باریان این عظم امور است اگر نفسی ملول گردد ایست

بدہید و بہر وسیلہ باشد اورا گرم کنید و در وایرہ و حلقہ خویش

در آید.» (مکاتیب حضرت عبدالہبار جلد سوم صفحہ ۳۴۰)

و نیز میفرمایند :

«باری ہر کاری کہ با لفت و محبت و خلوص نتیت فیصل شود

نتیجہ اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجہ اش

ظلمات فوق ظلمات است. (مکاتیب عبدالبہاء جلد سوم صفحہ ۵۰۷)

و نیز میفرمایند :

«... این مسئلہ بسیار مهم است البتہ در فکر آن باشید زیرا

عبدالبہاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نہایت

خذر اگر معاذ اللہ اختلاف جزئی حاصل کرد و جمیع نفوس ذلیل

و ہالک و امر اللہ نہایت ذلت در جمیع ممالک گرفتار شود

دیگر معلوم است کہ چقدر از این فکر در اضطرابم ایچہ اللہ سبحانہ

اختلافی نہ. (مکاتیب حضرت عبدالبہاء جلد سوم صفحہ ۵۰۰)

و نیز میفرمایند :

«... ای اجبای الہی اگر سرور و حسیور و آسایش جان و راحت و جدان

عبدلہجہ را خواهید بر اتحاد و اتفاق سفیرانید و جمیع امواج
یک بحر گردید و قطرات یک نهر گلهای یک گلشن گردید
حلقہ های یک جوشن در یک ہوا پرواز نمایند و بیگ نغمہ و
آواز ترنم ساز این سبب سرور ابدی است و رحمت قلب و
جان سردی . (مکاتیب حضرت عبدالہیاء، جلد اول صفحہ ۲۹۱)

و نیز میفرمایند :

« بگو ای یاران وقت اتحاد و اتفاق است و زمان یگانگی و آزادی
بیکدیگر مہر بان باشید و بخدمت ہدیہ بگردانید اول خادم شما
منم و اول غلام شما منم قسم بچمال قدم روحی و ذاتی و کینوستی
لا حواء الفدا کہ رویم بنور خدمت دوستان حق روشن و مشامہ نفعی است

محبت یاران معطر نهایت آمال و آرزویم است که بخدمت یک

از دوستان پردازم است میزان و الهام علیکم . ع ع
(مکاتیب حضرت عبداللہا، جلد چهارم صفحہ ۱۵)

حضرت ولی امر اللہ میفرمایند :

« آنچه سبب اصلی علت اولیه نگرانی و افسردگی این دلتنگ شده

در غم و غصه این مصیبت کبریٰ افزوده و متأسفانه این عیب را

بگذاشتن این نامه و ادائش و تولید مشاغل متنوعه نموده که ہر یک

اسباب تاخر و ضعف امر مقدس الہیت ہمانا عدم لغت و

تعاون حقیقی در بین اہل اللہ است نمیدانید کہ آثار و علامت عدم صفا

در قلوب مؤمنین بلکہ ادنی شائبہ دلتنگی و برودت و اغترار در جمع

اہل حق ہر چند اسباب خلل و توہین و تزییف این امر است و علت

خجالت و حیرت و شرمساری این عبد و بچه‌حدی مضر و مخالف مبدأ
و اساس شریعت است چون سم نافع و لو اثراتش فوراً در نزد عموم
نمایان و مشهود نگردد، روح نباض بهیكل امر است را از حبس و نفوذ
باز دارد و بتدریج منعدم سازد تمام اقدامات و مجهودات این سینین
متوالیه را از هر گونه ثمر و نتیجه و اثری ممنوع و محروم دارد و گروه
مقبولین و طالبین را هزار فرسنگ از این معین حیات و سبیل نجات دور
نماید و شمشیر سازد. بحقیقت ساطعه مشعشه این آئین مقدس را در نظر
جمهور علی‌الخصوص در نظر متفکرین و مبینین و دانشمندان عالم بطلمات
او بلام تبدیل نماید و حرمت و امتیاز و شرف و جلالت امر الهائی را
حقاً و متدرجاً از نظریار و اعیان محو و زایل کند و محن و بلا یا و متاعب

لا تخصای قدما و اجبا و موسسین و شهدای این امر عزیز را عاقبت بدر
دیدند بخلاف و شقاق و فساد را در مراکز امریه پی در پی ایجاد نمایند
و در نظام و شیرفت محافل روحانیه که الیوم اس اساس سوت عدل
الهی است و یگانه محور و مرجع شئون امریه خلی عظیم و زرغری شدید
فرختم آرد...» «مقدمات توقیعات مبارکه صفحه ۵ الی ۶»

و نیز میفرمایند:

«... مقصود از شهادت حضرت اعلیٰ و نفی و زندانی و اسارت
جمال ابینی و منفک دم شهدا و متاعب و بلا یابی لا تخصای حضرت
عبدالبهار تاسیس سلطنتی جدید و نام و شهرتی تازه و ترویج طریقت
و مذہبی مخصوص نبوده بلکه مقصود حصول تقدم آمال پیشینیان است

یعنی اخوت نوع بشر اگر اخوت حقیقی با حسنهما و اجملهما و اکملهما
در بین اجبا تحقق نیاید تاسیس وحدت عالم انسانی چگونه ممکن؟
اگر اختلاف در بین یاران که هر یک حامل پیام نجاتند زائل نگردد
امیدی دیگر نه و تبلیغ را دیگر اثر و فایده و لزومی نبوده و نخواهد بود
دیگر یاران خود دانند و به آنچه صلاح و خیر این امر است خود پردازند
آنچه بنظر قاصرین عبد میرسد همانست که گرا و مراراً بباران اطلاع
نمودم که اگر صیانت و تقدم سریع امر اند را خواها نسیم باید بهر کوی ممکن
ادنی شباهه اختلاف و برودت و اغبرار را از میان خود محو سازیم و
با قلوبی صاف و پاک و طیب و طاهر در کمال روح و ریجان و
یکانگی نجات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت الهیه را بمشام الوده اهل

عالم رسانیم ادنی گفتگونی در جمع اجناسلب نماید نماید و روح مجرد

منعش امر الله را از میکل آن جمع مریض چون برق اخراج نماید محمود است

و مساعی مبذوله را بجا میسازد و در اسباب تقهیر و انحطاط و تجزی

و اضمحلال انا فانا از دیار دایم و ارجح جهات احاطه نماید ...»

(منجبات توقیعات مبارکه صفحه ۵ الی ۹)

حضرت ولی امر الله میفرماید :

« و نیز از وظائف محصل جهه در تالیف قلوب یار است و دفع

علت و اثر اختلاف و کدورت و اغبرار در جمع اجناس الله بهر وسیله ای

باید هر بودت و کدورتی را برود حانیت و صفات تبدیل داد و سکون

خمودت را بوله و اشغال مبدل کرد . « منجبات توقیعات مبارکه صفحه ۴۲ »

حضرت ولی امر الله میفرماید:

«... باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و عزت امر الله و

ترویج دین الله شب و روز بکوشند اگر چنانچه از جهتی را که ای بوزد

و آثار اغیار و علامات اولیه مشکلی معلوم و ظاهر شود باید فوراً

اعضای محفل مجتمع گردند و درسد این باب و جلوگیری از هر فساد

رفع و دفع آن تمام قومی بکوشند و نگذارند که ضرر و وهنی

بر امر الله وارد گردد. «... منجبات توقعات مبارکه صفحه ۴۰۳»

حضرت ولی امر الله میفرماید:

«... تا اتحاد و اتفاق کامل در بین اجبا جلوه نماید و محکم و

ثابت نگردد امر عزیز الهی در حالت توقف باقی و از فسخ و

ظفر ممنوع و محسروم . « شجاعت توقعات مبارکه صفحه ۱۱ »

و نیز میفرمایند :

« ... ادنی شائبه اختلاف و برودت و اغبرار را از میان خود

محو سازیم و با قلبی صاف و پاک و طیب و طاهر در کمال روح

و ریحان و گیانگی نفعات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت

الهی را بمشام آلوده اهل عالم رسانیم . »

« اخبار امری شماره ۷ سنه ۱۱۰۰ بدیع »

حسب الامر محفل مقدس روحانی ملی بهایان ایران تحریر شد

امان الله - مؤمن